

تفسير احمد

سورة الشرح

Ketabton.com

94

شماره

ترجمه و تفسير سورة «الشرح»

تتبع و نگارش: امين الدين سعيدي - سعيد افغانى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سورة الشرح

جزء 30

این سوره در «مکه» نازل شده و دارای 8 آیه است.

وجه تسمیه:

در سبب نامگذاری این سوره مبارکه به «شرح» یا «إنشراح» یا «ألم نشرح» مفسران می نویسند که: سرآغاز این سوره از شرح سینه، نورانی گرداندن و هدایت پیامبر گرامی محمد صلی الله علیه وسلم با نور ایمان و حکمت، شروع و آغاز می شود. بلی! هر کس شامل اراده‌ی خیر پروردگار گردد، هدایتش می دهد و دل و سینه اش را مرکز دین اسلام و خیر و سعادت قرار می دهد. (أنعام / آیه 125).
سوره «الشرح» بعد از سوره «ضحی» نازل گردید و گویی تکمله‌ای برای آن می باشد زیرا سایه سار روح بخشی از لطف و عنایت پروردگار را بر حبیبش حضرت محمد صلی الله علیه وسلم می گستراند.

تعداد آیات، کلمات و حروف سوره الشرح:

(سورة الشرح) مکی، و داری (1) رکوع، (8) هشت آیت، (27) بیست و هفت کلمه، (102) یکصد و دو حرف، و (37) سی و هفت نقطه است. (لازم به ذکر است که اقوال علماء در نوع حساب کردن تعداد حروف سوره های قرآن متفاوت و مختلف است. برای تفصیل این مبحث می‌توانید به سوره الطور، تفسیر احمد مراجعه فرمایید).

أسباب نزول سوره مبارکه:

وقتی که مشرکان به دلیل فقر و تهیدستی مسلمانان را مورد سرزنش قرار دادند، این سوره نازل شد.

ابن جریر از حسن (رض) روایت کرده است: هنگامی که پروردگار متعال آیه «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» را نازل کرد، رسول الله گفت: شاد باشد که آرامش و راحت نصیب شما شد و هر گز یک سختی و بیچارگی نمی تواند دو راحتی و آسایش را مغلوب کند.

آشنایی با سوره انشراح:

مفسرین در این مورد همه متفق القول اند که: این سوره بعد از سوره «والضحی» نازل شده و محتوای آن نیز همین مطلب را تأیید می کند. در این سوره بخش و قسمتی از مواهب الهی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم شمرده شده است و در واقع سه نوع موهبت بزرگ در سوره والضحی آمده و سه موهبت بزرگ الهی در سوره انشراح آمده است. مواهب سه گانه این سوره همه جنبه معنوی دارند و بر سه محور دور میخورند. یکی بیان همین نعمتهای سه گانه و دیگر بشارت به پیامبر صلی الله علیه وسلم، از نظر برطرف شدن مشکلات دعوت او در آینده و دیگر توجه به خداوند یگانه و تحریص و ترغیب به عبادت و نیایش.

مجموع این سوره بیانگر عنایت خاص الهی به پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم و تسلی او در برابر مشکلات و وعده نصرت و تأیید او در برابر مشکلات و فراز و نشیبهای راه رسالت است.

اگر کسی حالات پیامبر صلی الله علیه وسلم را دقیقاً مطالعه کند و میزان شرح صدر او را در حوادث سخت و پیچیده دوران زندگی اش بنگرد یقین می کند که این از طریق عادی ممکن نیست، بلکه يك تأیید الهی و ربانی است.

بخاطر همین شرح صدر بود که پیامبر صلی الله علیه وسلم به عالیتترین وجهی مشکلات رسالت را پشت سر گذاشت و وظایف خود را در این راه به خوبی انجام داد.

در سوره انشراح لحن آیات آمیخته با لطف و محبت فوق العاده پروردگار و تسلی و دلداری به نبی اکرم صلی الله علیه وسلم است.

در این سوره از پیامبر صلی الله علیه وسلم میخواید که با توجه به این آثار درخشان، هیچ گاه از تلاش در راه الله باز نایستد و هنگامی که کاری را به اتمام رساند، کار بزرگتر و سخت تری را شروع کند تا از آثار آن نیز بهره مند شود.

ترجمه و تفسیر سُورَةُ «الشرح» جزء 30

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده و مهربان

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ﴿١﴾ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ﴿٢﴾ الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ﴿٣﴾ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ﴿٤﴾ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٥﴾ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ﴿٧﴾ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ﴿٨﴾

ترجمه مختصر:

«أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» (1) «آیا فراخ نساختم برایت سینه ات را؟».
«وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ» (2) «و بار سنگین تو را از (دوش) تو برنگرفتم؟».
«الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ» (3) «همان باری که پشت تو را سنگین کرده است؟».
«وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ» (4) «و بلندی بخشیدیم یاد و ذکرت را؟».
«فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (5) «پس بی گمان در کنار دشواری آسانی است.».
«إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (6) «به یقین در کنار دشواری آسانی است.».
«فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» (7) «پس هنگامی که (در کار و بارت) فراغت یافتی، بکوش.».
«وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ» (8) «و به سوی پروردگارت روی آر.».

تفسیر سوره:

خوانندگان گرامی!

در آیات متبرکه این سوره در باره نعمتها و فرمانهای الله متعال به پیامبر صلی الله علیه وسلم بحث بعمل می آید:

«أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» (1):

(استفهام برای تقریر است.)

یعنی ای محمد! آیا ما سینه تو را با نور هدایت و ایمان و قرآن نگشودیم (و دلت را از بند غم حیرت رها نساختم، و تاب تحمل نا بسامانی های محیط جاهلیت و سختی های مسؤولیت بزرگ نبوت را به تو عطاء نکردیم؟).

تشریح لغات و اصطلاحات:

«نَشْرَحْ»: شرح: باز کردن، شکافتن، گشاده کردن و از ریشه شریحه است.

«نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ»: آیا سینهات را به وسیله نبوت و تطهیر آن، لبریز از ایمان و حکمت برای تو نگشادیم؟

«شرح صدر» به معنای گشایش سینه و بالا رفتن ظرفیت انسان است تا بتواند ناملازمات را تحمل کند و در مشکلات و سختی ها صبر و پایداری از خود نشان دهد.

مفسران نوشته اند: هنگامی که خداوند متعال حضرت موسی علیه السلام را به رسالت برگزید، اولین خواسته او سعه صدر بود که گفت: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي» (طه،

25). (پروردگارا! سعه صدر به من عطا کن). ولی پیامبر بزرگوار اسلام محمد صلی الله علیه وسلم بدون درخواست مورد لطف الهی قرار گرفت و سعه صدر را از خداوند دریافت کرد.

مفسر ابن کثیر در تفسیر این آیه مبارکه می نویسند: یعنی قلبت را روشن و فراخ و وسیع گردانیدیم. و همان طور که الله سینه‌ی او را روشن کرد، شریعتش را نیز گسترش داد و آن را میسر و آسان قرار داد، نه فشار طاقت‌فرسا و نه ضعف و تنگ‌نظری در آن وجود ندارد. (مختصر ۶۵۲/۳).

سایر مفسرین در توضیح «أَلَمْ نَشْرَحْ...» می‌فرمایند: شرح صدر. کنایه از: سعه صدر، رهایی از غم و آندوه حیرت و ضلال پیش از نبوت، تاب تحمل مشکلات مسؤلیت نبوت و رهبری، صبر و حوصله در برابر ناملایمات محیط و درد سر های کُفّار و مشرکان و دیگران است (ملاحظه فرماید سورهٔ أنعام/ آیه: 125، سورهٔ زمر/ آیه: 22، سورهٔ طه/ آیه: 25، سورهٔ نحل/ آیه: 106).

مفسر ابوحیان در تفسیر آیهٔ مبارکه، فرموده است: «شرح صدر» یعنی روشن کردن آن به حکمت، و فراخ نمودن آن برای دریافت وحی نازل شده. و نظر جمهور نیز همین است. عده‌ای نیز می‌گویند: «شرح صدر» عبارت است از این که در دوران طفولیت جبرئیل سینه‌ی او را شکافت. این نظر از ابن عباس (رض) روایت شده است. (البحر ۴۸۷/۸).

امام فخرالدین رازی می‌فرماید: «شق الصدر از ارهاصات نبوت، یعنی از مقدمات و بشارت‌های آن است».
خوانندگان گرامی!

از آنجا که غم و غصه‌ها را نمی‌توان کم کرد، پس باید ظرفیت‌ها را باید بالا برد تا بتوان مشکلات را تحمل کرد و کم نیاورد. شرح صدر که در آیه مبارکه بدان اشاره بعمل آمد نشانه لطف بخصوص و خاص أَلْخَاصِ الْهَیْ است: «فَمَنْ يُرِدِ اللهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ» (أنعام/125). (یعنی هر کس را خداوند اراده کند هدایت یابد، روح او را برای پذیرش اسلام باز می‌کند).

از نظر روانی، هنگام برخورد با مشکلات و پرابلم های دنیوی، نباید تمام ذهن متوجه آن شود، بلکه باید به سهولت‌های پس از آن که مورد وعده و سنت پروردگار با عظمت است نیز توجه داشته باشید.

منظور از «شرح صدر» آیه مبارکه: «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» گسترش روح و فکر پیامبر صلی الله علیه وسلم به وسیله نور الهی و سکینه و آرامش خداداد میباشند، این توسعه می تواند مفهوم وسیعی داشته باشد که هم وسعت علمی پیامبر را از طریق وحی و رسالت شامل گردد و هم بسط و گسترش تحمل و استقامت او در برابر لجاجت ها و کارشکنی های دشمنان و مخالفان.

پیامبر صلی الله علیه وسلم مثال، نمونه و الگوی کامل برای زندگی فردی و اجتماعی ما انسانها است. آنحضرت چراغ هدایتی است که جهان بشریت را روشنی بخشیده و با سیره و سخنش سنت‌های زیبا و عالی را پایه‌گذاری کرده و برنامه جامع سیر از خاک تا افلاک و از دنیا تا آخرت را ارائه فرموده است. از این روست که سیره و سخنان گهربار آن شخصیت بی بدیل، پیامبر بزرگوار صلی الله علیه وسلم، اهتمام و توجه ی ویژه می طلبد. یکی از سیره های پُر اهمیت آن حضرت شرح صدر است؛ سیره‌ای که خداوند در قرآن از آن با عظمت یاد می کند و آن را یکی از مَنْت های بزرگ خویش بر می‌شمارد. شرح صدر و گشادگی سینه پیامبر اسلام است که بار سنگین رسالت بر حضرتش قابل تحمل بود، بار سنگینی که پشت انسان را خَم می کند.

همین شرح صدر است که او را در برابر همه ناملایمات سربلند و پیروز میگرداند و خداوند آوازه اش را بلند می‌سازد. بهترین وسیله برای پیمودن راه حق و کمال، فراخی سینه

و شرح صدر است. هر چه سینه فراختر باشد پرواز بلندتر است. سعه و گسترده‌گی قلب و روح حبیب خدا تا آنجاست که بر ماسوای خداوند احاطه دارد و همه عالم ریزه خوار سفره نور و إحسان آن رحمة للعالمین آند. هر چند قلم و بیان عاجز از درک روح بلند الهی آن بزرگوار است.

در تفسیر (آیه 125 / سورة أنعام) مفسر انوار القرآن مینویسد: «فَمَنْ يَرِدِ اللهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يَرِدْ أَنْ يَضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيْقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللهُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» «پس هر که را که خدا بخواد هدایت کند، سینه وی را برای اسلام گشاده میکند» یعنی: دلش را باز و گشاده میکند تا اسلام را با سینه باز و مُنْشَرَح بپذیرد.

در حدیث شریف به روایت عبدالرزاق، ابن جریر طبری و غیر ایشان آمده است: أصحاب از رسول الله صلی الله علیه وسلم راجع به این آیه پرسیدند؛ یا رسول الله! چگونه سینه انسان راه یافته گشاده می شود؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «نور یقذف فیهِ، فینشرح له وینفسح: نوری است که در او افکنده می شود پس سینه اش از آن نور، باز و گشاده می شود». گفتند: آیا برای این گشادگی و انشراح، نشانه ای هم هست که با آن شناخته شود؟ فرمودند: «الإنابة إلى دار الخلود، والتجافي عن دار الغرور، والاستعداد للموت قبل لقاء الموت: بلی! نشانه آن رجوع به سوی سرای جاودانگی، دل برکنندن از سرای غرور و قرار و آرام نگرفتن در آن، و آمادگی برای مرگ قبل از روبروشدن با آن است». همچنین در حدیث شریف آمده است که از رسول الله صلی الله علیه وسلم سؤال شد: از مؤمنان چه کسی هشیارتر و زیرکتر است؟ فرمودند: «بیشترین آنان در یاد آوری از مرگ و بیشترین آنان در آمادگی برای بعد از مرگ». «و هر کس را که» خداوند «بخواد گمراه کند، سینه اش را تنگ می گرداند در نهایت تنگی» به طوری که در آن هیچ جایی برای ایمان و هدایت نباشد. ابن کثیر می گوید: «یعنی سینه اش را برای پذیرش (لا اله الا الله) تنگ می گرداند تا بدانجا که این کلمه طیبیه به آن وارد نمیشود».

رُجَاج میگوید: «حَرَج، نهایت تنگی است». «چنانکه گویی به زحمت در آسمان بالا میرود» زیرا کسی که به آسمان بالا رود، به دلیل فشار هوا و کمبود اکسیژن، سخت احساس سینه تنگی میکند، گویی نزدیک است که خفه شود.

گفتنی است که با اکتشافات جدید علمی، روشن شده که این تشبیه از معجزات قرآن کریم میباشد زیرا حقیقت علمی ایکه این آیه به بیان آن پرداخته، در عصر نزول قرآن کریم شناخته شده نبود. بلی! این آیه، حال معنوی کسی را که به سوی اسلام فرا خوانده میشود درحالیکه برای وی گمراهی مُقَدَّر شده است به حالت حسی کسی تشبیه میکند که از بالا رفتن به سوی آسمان سخت احساس سینه تنگی میکند، گویی میخواد خفقان بگیرد و این معنی که صعود به بالا سبب نفس تنگی میشود در روزگار نزول قرآن کریم شناخته شده نبود.

و علامه عبدالرحمن سعدی رحمه الله در تفسیر خود مینویسد: «خداوند متعال در حالی که علایم و نشانه های خوشبختی و هدایت، و بدبختی و گمراهی را برای بندگان بیان می دارد، میفرماید: هر کس سینه اش برای پذیرش اسلام گشاد شد، یعنی سینه و درونش وسیع و باز شد، و به نور ایمان روشن گردید و با روشنایی یقین زنده گشت و آرامش یافت؛ خوبی را دوست داشت، و انجام دادن خیر و نیکی را زیبا یافت و از آن لذت برد و آن را

دشوار ندانست، همانا این نشانه آن است که خداوند او را هدایت کرده و توفیق در پیش گرفتن درست‌ترین راه را به او ارزانی نموده است. و علامت کسی که خداوند می‌خواهد او را گمراه سازد این است که سینه‌اش را تنگ می‌گرداند. یعنی آن را در نهایت تنگی قرار می‌دهد، به گونه‌ای که در آن جای برای ایمان و یقین یافت نمیشود، و در شُبّهات و شهوات فرو رفته، و خیری به او نمی‌رسد. و قلبش برای انجام کار خیر باز نمی‌گردد، و سینه‌اش آنگونه به تنگی و تپش می‌افتد که گویا به آسمان‌ها بالا می‌رود، و به زور او را به این کار وادار می‌کنند، اما راهی برای رفتن به آسمان نمی‌یابد.

و این بدان سبب است که آنها ایمان ندارند. پس این امر باعث شده است که خداوند پلیدی و عذاب را بر آنها قرار دهد؛ چون آنها دروازه رحمت و نیکوکاری را به روی خود بسته‌اند. و این ترازوی است که در آن ظلم و ستمی وجود ندارد، و راهی است که تغییر نمی‌کند. پس همانا هرکس ببخشد، و بدهد، و از خدا بترسد، و پرهیزگاری نماید، و آیین نیک را تصدیق کند، به زودی راه آسانی را در پیش پای او می‌گذاریم و آن را برایش آسان می‌گردانیم. و هرکس بخل ورزد، و خود را از خدا بی‌نیاز بداند، و آیین نیک را تکذیب کند، به زودی راه سختی را به او خواهیم نمود.

«وَوَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ» (2):

«و بار سنگین تو را از (دوش) تو برنگرفتیم؟» یعنی بدین‌گونه باری را که بر تو نهاده شده بود کم کردیم، گناهان متقدم و متأخرت را آمرزیدیم، از تو راضی و خوشنود شدیم و عفو و رحمت خویش را بر تو جاری ساختیم. مفسرین در تفسیر کلمه «وَضَعْنَا» مینویسند: فرو آوردیم. پائین آوردیم. «وزر» در لغت به معنی سنگینی است، کلمه (وزیر) نیز از همین معنی مشتق شده است، چون بارهای سنگین حکومت را بر دوش میکشد، و گناهان را نیز به همین جهت وزر گویند چرا که بار سنگینی است بر دوش گنهکار. بعضی از مفسرین (وزر) را به معنی بار سنگین (وحی) در آغاز نزول، تفسیر کرده‌اند. بعضی نیز به ضلالت و گمراهی و لجاج و عناد مشرکان. و بعضی به اذیت و آزار فوق‌العاده آنها.

و بعضی به اندوه ناشی از وفات کاکای ابو طالب و همسرش خدیجه و بالاخره بعضی به مسأله عِصْمَت و پاکی از گناه تفسیر کرده‌اند. ولی ظاهراً همان تفسیر اول است: هدف از آن بار کمرشکن غم و رنج حاصل از مشاهده کفر و شرک و تبهکاری‌ها و خونریزی‌ها و ستمگری‌ها و نابسامانی‌های جامعه پیش از نبوت، و تلاش و کوشش آن حضرت برای هدایت مردمان و دفع اذیت و آزار ایشان در آغاز نبوت است.

قرائن آیات به خوبی نشان می‌دهد که منظور همان مشکلات رسالت و نبوت، و دعوت به سوی توحید و یکتا پرستی، و برچیدن آثار فساد از آن محیط بسیار آلوده بوده است، نه تنها پیامبر صلی الله علیه و سلم که همه پیغمبران در آغاز دعوت با چنین مشکلات عظیمی روبرو بودند، و تنها با امداد‌های الهی بر آنها پیروز میشدند، منتها شرائط محیط و زمان پیامبر صلی الله علیه و سلم از جهاتی سخت‌تر و سنگین‌تر بود.

«الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ» (3):

«همان بار سنگینی که پشت تو را در هم شکسته بود؟» «أَنْقَضَ»: سنگینی کرده بود.

گرانبار ساخته بود. مجازاً شکستن پشت معنی می‌دهد. پروردگار با عظمت ما به ذکر موهبت دیگری از مواهب عظیم خود به پیامبر صلی الله علیه و سلم پرداخته می‌افزاید: آیا ما بار سنگین را از تو برنداشتیم؟! همان باری که سخت بر پشت تو سنگینی می‌کرد (الذی انقض ظهرك).

(انقض) از ماده (نقض) به معنی گشودن گره طناب، یا جدا کردن قسمت‌های به هم فشرده ساختمان است، و (انتقاض) به صدائی گفته میشود که به هنگام جدا شدن قطعات یک تعمیر از یکدیگر بگوش می‌رسد، و یا صدای مهره‌های کمر به هنگامی که زیر بار سنگینی قرار می‌گیرد.

این کلمه در مورد شکستن پیمان‌ها و قرار داد‌ها نیز به کار می‌رود و می‌گویند فلان کس نقض عهد کرد.

به این ترتیب آیه فوق می‌گوید: خداوند آن بار سنگین و کمرشکن را از تو برداشت. این کدام بار بود که خداوند از پشت پیامبرش برداشت؟ قرائن آیات به خوبی نشان می‌دهد که منظور همان مشکلات رسالت و نبوت، و دعوت به سوی توحید و یکتاپرستی، و برچیدن آثار فساد از آن محیط بسیار آلوده بوده است، نه تنها پیامبر صلی الله علیه و سلم، که همه پیامبران در آغاز دعوت با چنین مشکلات عظیمی روبرو بودند، و تنها با امداد‌های الهی بر آنها پیروز می‌شدند، منتها شرائط محیط و زمان پیامبر صلی الله علیه و سلم از جهاتی سخت‌تر و سنگین‌تر بود.

« وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ » (4):

و آوازه تو را بلند نکردیم و بالا نبردیم؟ مقام و جایگاه تو را بلند گردانیدیم و یاد و ذکر و آوازه‌ی تو را در مناره‌ها، منبرها و دفترها بلند ساختیم؛ تو یتیم بودی و کسی تو را نمی‌شناخت. تو بی‌کس بودی و کسی را نداشتی. عموهای تو که قرار بود پشتیبان تو باشند، علیه تو ایستادند و این ما بودیم که در کنار تو قرار داشتیم، پشتیبان تو بودیم و نگذاشتیم پشت تو شکسته شود.

مجاهد فرموده است: هرگاه نامی از الله برده شود نام محمد صلی الله علیه و سلم در کنارش برده می‌شود. و قتاده گفته است: خدا نام او را در دنیا و آخرت بالا برده است، هر خطیب و شهادت‌دهنده و نمازگزاری ندا می‌دهد: «أشهد أن لا إله إلا الله و أن محمداً رسول الله».

در حدیث آمده است: «جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد! خدایت می‌گوید: آیا می‌دانی چگونه یاد و نام تو را رفیع گردانده‌ام؟ گفتم: خدا می‌داند. گفت: وقتی نامی از من برده شود، نام تو نیز با من می‌آید.» (مختصر ۴۵۲/۳).

در البحر آمده است: در شهادت و آذان و اقامه و تَشَهُد و حُطْبَه، و در بسی موارد در قرآن و غیره نام پیامبر با نام خدا قرین است و از پیامبران و ملت‌های آنها خواسته است که به محمد صلی الله علیه و سلم ایمان بیاورند. (البحر المحيط ۴۸۸/۸).

در این مورد حسان بن ثابت سروده است: «و ضمَّ الإله إسم النبی إلى إسمه إذا قال فی الخمس المؤذن أشهد و شقَّ له من إسمه لیجله فذو العرش محمود و هذا محمد». «خدا نام پیامبر را در آذان پنجگانه در کنار نام خود قرار داد. و از اسم

خود برایش اسمی مشتق کرد تا او را والا بدارد، نام خدای صاحب عرش محمود است و نام این محمد». (مختصر ۶۵۲/۳).

«فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (5):

«پس بی‌گمان با دشواری آسانی است». یعنی: به راستی که بعد از هر سختی آسانی است، بعد از هر تنگدستی گشایش است، بعد از غم خوشحالی است و بعد از شب غم، صبح شادی فرا می‌رسد. بناءً سختی و دشواری استمرار نمی‌یابد و رنج و پریشانی باقی نمی‌ماند.

«عُسر و یُسرا»: این دو کلمه ضد هم هستند. عُسر به معنی سختی است و یُسر به معنی آسانی.

مفسران فرموده‌اند: در مکه پیامبر صلی الله علیه وسلم و یارانش بر اثر اذیت و آزار مشرکین سخت در مَضِيقَه و تنگنا بودند. لذا به منظور تسلی خاطر و آرامش قلب و تقویت امیدش، خدا وعده‌ی راحتی و آسایش را به او داد، همان‌طور که در آغاز سوره نعمت‌های عطا شده به او را برشمرد. و فرمود: کسی که این نعمت‌های گرانقدر را به تو عطا کرده است، تو را بر آنان پیروز می‌کند، و کارت را استوار می‌گرداند، و این سختی را به زودی به آسایش تبدیل می‌کند. از این رو آن را در قالب مبالغه تکرار کرده و گفته است:

«إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (6):

مسئلاً با سختی و دشواری، آسایش و آسودگی است. یعنی: بی‌گمان در جنب دشواری‌ای که ذکر شد، آسانی دیگری است. پس افسرده و غمگین مشو. در حدیث آمده است: «سختی بر دو آسانی پیروز نمی‌شود». (اخراج از حاکم و بیهقی).

مفسرین در تفسیر این آیه متبرکه مینویسند: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (5) إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (6)» این مژده بزرگی است که هرگاه سختی و دشواری در میان آید آسانی همراه آن خواهد بود، حتی اگر سختی و دشواری در سوراخ سوسماری (کربوری) برود آسانی بر آن وارد می‌شود و آن را بیرون می‌آورد. همان‌طور که خداوند متعال می‌فرماید: «سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» (سوره الطلاق: 7). «خداوند بعد از سختی، آسانی خواهد آورد». و همان‌طور که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «فرج به همراه سختی و آندوه است و آسانی با سختی همراه است».

و معرفه آمدن کلمه‌ی «عسر» در هر دو آیه بر این دلالت می‌کند که سختی و دشواری یکی است و نکره بودن کلمه «یسر» نشانگر آن است که آسانی تکرار خواهد شد. و معرفه بودن کلمه‌ی «العسر» که الف و لام آن بر استغراق و عموم میبانشد دال بر این است که سختی و دشواری هرچند شدت یابد در آخر آسان خواهد شد و آسانی با آن همراه خواهد بود. سپس پیامبرش را به صورت مخاطب اصلی و مومنان را به تبع او دستور داد تا خدا را سپاس گذارند و وظیفه خود را در برابر عظمت او انجام دهند و فرمود:

سبب نزول آیه مبارکه:

روایت شده است که چون مشرکان مسلمانان را به فقر و نداری طعنه زدند، این آیه نازل شد. ابن جریر طبری از حسن بصری (رض) روایت کرده است که گفت: چون این آیه

نازل شد، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مژده تان باد که بر شما آسانی آمد، هرگز یک دشواری بر دو آسانی غالب نمی‌شود».

«فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» (7):

وقتی از کارهایت فراغت یافتی و در دل تو چیزی که آن را دچار مشکل نماید باقی نماند در دعا و عبادت بکوش. به طاعت رو آور، به ادای نوافل و فضایل بیشتر بپرداز و از اعمال نیکو توشه بگیر.

«فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» هرگاه (از کار مهمی) بپرداختی، به دنبال آن (به کار مهم دیگری بپرداز و در آن بکوش و) رنج ببر (و فرجام کاری را آغاز کار دیگری کن).

«فَرَغْتَ»: فراغت یافتی. تمام شدی و بیکار ماندی. «انصَبْ»: رنج ببر. مؤمن باید انسان متحرک و پویایی باشد و پس از فراغت از وظیفه‌ای، آماده کوشیدن و سختی کشیدن در وظیفه دیگری باشد. چون: ما زنده به آنیم که آرام نگیریم.

قابل یادآوری است که فحوای این آیه مبارکه؛ بیانگر ترسیم و نقشه زندگی هر مسلمانی است که برای پیامبر صلی الله علیه وسلم وضع شده تا آن شیوه و منهج را در حیات و زندگی روزمره خویش و مسلمانان تطبیق نماید تا به بهشت نایل آیند و از عذاب دوزخ نجات ورهایی یابند؛ یعنی هرگاه از یک کار دینی فارغ شد خود را برای یک کار دنیایی آماده سازد.

یعنی انسان باید بعد از فارغ شدن از هر کار و مسئولیتی، آماده پذیرش مسئولیت دیگر و تلاش و کوشش دیگر باشد.

بطور نمونه هرگاه از نماز فراغت یافت به ذکر و دعا و چون از آن فارغ شد، به امور دنیوی مشغول شود. شخص مسلمان زندگی جدی و سختی دارد و هیچ‌گاه وقتی را برای بازی، شوخی، تنبلی، بیکاری و ... نخواهد یافت.

«وَالْيَ رَبِّكَ فَارْغَبْ» (8)

و یکسره به سوی پروردگارت روی آر (و تنها بدو دل و امید ببند، و جز به او خود را مشغول مساز). یعنی تنها به پروردگارت روی آور. اِهتمام و توجه خود را به این دنیای ناپایدار و رفتنی مصروف مدار. ابن کثیر گفته است: یعنی وقتی از امور و کارهای دنیا فراغت یافتی و از آن قطع علاقه کردی، به عبادت برخیز و با شادابی و نشاط و قلبی فارغ به عبادت خدا بشتاب، و قصد و نیت خود را خالصانه برای خدا قرار بده (مختصر ۶۵۳/۳).

هکذا مفسران در تفسیر آیه مبارکه: «وَالْيَ رَبِّكَ فَارْغَبْ» می‌نویسند: و برای اجابت دعای خود فقط به پروردگارت روی بیاور و از کسانی مباش که وقتی کار و بارشان تمام می‌شود به بازی و سرگرمی مشغول میشوند و از پروردگار خود و از ذکر او اعراض میکنند. و اگر چنین کنی آنگاه از زیان کاران خواهی بود. همچنان برخی از مفسران در معنی آیه مبارکه نگاشته‌اند: هرگاه از نماز فارغ شدی و آن را کامل نمودی در دعا بکوش و در خواستن نیازهایت به او روی بیاورد. و کسی که چنین گفته بر مشروعیت دعا و ذکر بعد از نمازهای فرض استدلال کرده است.

مفهوم توصیه به صبر در اسلام:

پروردگار با عظمت ما میفرماید: «وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (سوره انفال: 46) و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت‌کنندگان است!

همچنان در جایی دیگر میفرماید: «إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (سوره یوسف: 90) (هر کس تقوا پیشه کند، و شکیبایی و استقامت نماید، (سرانجام پیروز میشود) چرا که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند!) و باز هم در (آیه 10 سوره زمر) میفرماید: «إِنَّمَا يُوفِي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (صابران اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت میدارند!).

«فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ» (سوره هود: 49) (بنابراین، صبر و استقامت کن، که عاقبت از آن پرهیزگاران است!) پس شما را بر صبر نمودن توصیه می‌کنیم که ان شاءالله مشکلات بزودی حل خواهند شد چرا که برآستی پس از سختی آسانی در راه است: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» سوره انشراح 6. یعنی: بلی با دشواری آسانی است.

مفهوم «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»:

بسیاری از کسانی می‌پرسند که با توجه به این آیه چرا بعضی مسلمان‌ها تا آخر عمرشان سختی میبینند؟ همیشه مصیبت‌ها دنبال هم می‌آیند در زندگی‌شان؟ (بدون اینکه آسانی بیاید!) حتی تا آخر عمرشان در عذابند؟ حتی آنهایی که بیشتر از همه طاعات و عبادات میکنند!؟

در جواب باید گفت: چون خدای متعال بر آنها منت گذاشته و با این بهانه بسیاری از گناهانشان را پاک میکند، زیرا مصائب و سختی‌ها و بلاها، کفاره گناهان هستند، و خوشحال آن کسانی که در بلا و مصیبت صبوری پیشه میکنند چرا که همین سختی‌ها و ناخوشی‌ها اگر با صبوری تحمل شوند خود موجب کفاره گناهانشان میشود، و شاید این لطف و رحمت الهی (تحمل و صبوری در برابر مشکلات) نصیب هر کسی نشود.

أبوهریره رضي الله عنه می‌گوید: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ يَرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا، يَصِبْ مِنْهُ». (بخاری: 5645) یعنی: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «خداوند به هرکس که إرادة خیر داشته باشد، او را گرفتار بلا میسازد». و خدای متعال در مورد کسانی که صبور هستند می‌فرماید: «إِنَّمَا يُوفِي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (سوره الزمر: 10). یعنی: بی تردید شکیبایان پاداش خود را بی حساب [و] به تمام خواهند یافت. و باز أبوهریره رضي الله عنه روایت میکند: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الْخَامَةِ مِنَ الزَّرْعِ، مَنْ حَيْثُ أَتَتْهَا الرِّيحُ كَفَأَتْهَا، فَإِذَا اعْتَدَلَتْ، تَكْفَأُ بِالْبَلَاءِ، وَالْفَاجِرُ كَالْأَرْزَةِ، صَمَاءٌ مُعْتَدِلَةٌ، حَتَّى يَقْصِمَهَا اللَّهُ إِذَا شَاءَ». (بخاری: 5644).

یعنی: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «مثال مؤمن، مانند ساقه گیاهی است که از هر طرف، بادی به سراغش می‌آید و او را کج می‌کند. و هنگامی که باد آرام می‌گیرد، راست می‌شود. (همیشه در بلا و مصیبت بسر میبرد و این مصیبت‌ها باعث کفاره گناهان‌اش می‌گردند). اما فرد فاجر، مانند درخت کاج، سخت و استوار است تا اینکه مرگ‌اش فرا می‌رسد و خداوند او را نابود می‌گرداند». (یعنی کمتر دچار گرفتاری می‌شود).

و ابوسعید خدری و ابوهریره رضي الله عنهما می‌گویند: «مَا يَصِيبُ الْمُسْلِمَ مِنْ نَصَبٍ وَلَا وَصَبٍ، وَلَا هَمٍّ وَلَا حُزْنٍ، وَلَا آدِي وَلَا غَمٍّ، حَتَّى الشُّوْكَةِ يَشَاكُهَا، إِلَّا كَفَّرَ اللَّهُ بِهَا مِنْ خَطَايَاهُ». (بخاری: 5642).

یعنی: نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «مسلمان، دچار هیچگونه خستگی، بیماری، نگرانی، ناراحتی، گرفتاری و غمی نمی‌شود مگر اینکه خداوند به وسیله آنها، گناهانش را می‌بخشد. حتی خاری که به پایش می‌خورد» (باعث کفاره گناهانش میشود).

و در حدیث صحیح از پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده که فرمودند: «الدنيا سجن المؤمن وجنة الكافر» مسلم (2956). یعنی: دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است.

و پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد صبر و شکر بنده مؤمن فرموده است: «عجبا لأمر المؤمن إن أمره كله خير، وليس ذاك لأحد إلا للمؤمن؛ إن أصابته سراء شكر؛ فكان خيراً له، وإن أصابته ضراء صبر؛ فكان خيراً له». (روایت مسلم).

یعنی: چه عجیب است امر مؤمن، همه امورش برایش خیر است، و این برای کسی نیست مگر برای مؤمن، اگر نعمت به وی برسد شکر میکند، و این شکر کردن برایش خیر است، و اگر مصیبت به وی برسد صبر میکند، و این صبر کردن برایش خیر است.

و پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «حفت الجنة بالمكاره وحفت النار بالشهوات». مسلم (2822) و ترمذی (2559). یعنی: بهشت با سختیها پوشیده و جهنم نیز با شهوات پوشیده شده است.

بنابراین هرگاه بنده ی مومن متقی در بلا و مصیبتی قرار گرفت، باید آنرا به نعمت تبدیل کند! چگونه؟ با صبوری و سپاسگذاری کردن و راضی شدن به تقدیر الهی و توکل کردن به او در دفع آن سختی... تا بدین ترتیب آنرا کفاره ی گناهانش کند.

در ضمن اینگونه هم که شما تصور می کنید نیست!؟ چرا که هر کسی در زندگی خود هم خوشی داشته و هم ناخوشی، و شاید در این میان بعضی از مومنان بیشتر در سختی ها باشند، که گاهی آن سختیها نتیجه اعمال و کارهای خودشان است چنانکه الله تعالی می فرماید: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ» (شوری 30). یعنی: اگر شما را مصیبتی رسد، به خاطر کارهایی است که می کنید و خدا بسیاری از گناهان را عفو می کند.

و گاهی خدای متعال بنا به حکمت خویش وی را می آزماید، چنانکه میفرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُّصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» (سوره بقره/ 155). یعنی: قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مالها و جانها و میوهها، آزمایش می کنیم؛ و بشارت ده به استقامت کنندگان، آن کسانی که چون مصیبتی به آنها برسد گویند: «ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم» آنان درود و رحمت خدا شامل حالشان است و ایشان هدایت شوندگان هستند.

خداوند متعال خبر داده است که حتماً بندگان را به مشکلاتی گرفتار می نماید و با مصایبی می آزماید (از قبیل آفت های آسمانی، غرق شدن، ضایع شدن، و اموالی که پادشاهان ستمگر و راهزنان با زور و فشار می ستانند. اما به هر حال اینگونه نیست که کل عمرش در سختی و عذاب باشد! و این تصور صحیح نیست و ما آنرا نمی پذیریم.

هدف از شق صدر رسول الله:

هدف از شق الصدر برای رسول گرامی اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم چه بوده است؟

اولاً حادثه «شق الصدر» یعنی: «شکافتن سینه» پیامبر صلی الله علیه و سلم، هنگامی رخ داد که در قبیله بنی سعد برای رضاعت نزد حلیمه سعديه بود تا اینکه بنا به گزارش ابن اسحاق چند ماه بعد، و یا بنا به نظر محققان در سن چهار سالگی ماجرای شکافته شدن سینه اش پیش آمد. مسلم از انس (رض) روایت کرده است که جبریل علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد، در حالی که با اطفال سن و سالش بازی می کرد. او

را از جاي برگرفت و بر زمين خواباند و سينه او را برشكافت و قلب او را خارج ساخت، و از درون آن، لخته خوني را بيرون كشيد و گفت: اين است بهره شيطان از تو! آنگاه دل او را در طشتي زرین با آب زمزم شستشو داد؛ و سپس و به جاي نخستينش بازگردانيد و سينه اش را دوخت. پسر بچه ها نزد مادرش يعني دايه اش شتافتند و گفتند: محمد را كشتند! همگي در پي يافتن او شتافتند. وقتي او را يافتند، رنگ رخساره اش دگرگون شده بود. انس (رض) می فرماید: من جاي آن دوخت و دوز جبرئيل را روي سينه پيامبر صلي الله عليه و سلم مي دیدم (صحيح مسلم، كتاب الايمان، باب الاسراء، جلد 1، صفحه 147، ح 261).

حليمه سعديه پس از اين واقعه ترسيد و او را به مادرش بازگردانيد. و حادثه شكافتن سينه پيامبر صلي الله عليه و سلم سه بار در حياتش رخ داده است.

1- هنگام كودكي همانطور كه بيان شد و اين روايت در صحيح مسلم آمده است، و حكمتش همان بود كه آن دو ملائكه بيان كردند و گفتند: «اين است بهره شيطان از تو»، و يك لخته خوني را از قلبش جدا كردند.

2- قبل از بعثت، و حكمتش اين بود كه با قلب كاملتر و قوي تري وحي را استقبال كند. حافظ ابن حجر در كتابش «الفتح» در شرح اسراء و معراج گفت: «و شكافتن سينه پيامبر صلي الله عليه و سلم هنگام بعثت ثابت شده است همانطور كه ابو نعيم اين روايت را در كتاب «الدلائل» بيان کرده است»، و نويسندگان سيرت پيامبر صلي الله عليه و سلم نيز اين حادثه را بيان کرده اند.

3- قبل از حادثه اسراء و معراج، و حكمتش اين بود كه با قلب پاكتر و قوي تري براي مناجات با خداوند بطور مستقيم آماده گردد، و اين حادثه در صحيحين و همچنين كتب احاديث ديگر ثابت شده است.

آثار گناه:

1- يكي از مهمترين آثار گناه، محروم شدن از علم و دانش است؛ علمي كه خداوند در قرآن و سنت قرار داده است و مايه سعادت دنيايي و اخروي بشر است؛ انسان هاي گناهكار از اين علم محروم ميشوند. الله عزوجل مي فرماید: «...وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمِكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (سوره البقره آيه: 282) «از خدا بترسيد و تقوی داشته باشيد، خداوند شما را مياموزد.».

امام شافعي رحمه الله مي فرماید: «همانا علم، نور خداست و نور خدا به انسان هاي گناهكار داده نمی شود.»

2- گناه و معاصي عقل انسان را فاسد و خراب ميکند و قوه ادراک و خوب فکر کردن را از انسان ميگيرد و انسان را در هر امری به چالش ميکشانند. از بعضي از سلف صالح (رحمهم الله) نقل شده است كه مي فرماید: «هر كس معصيت خدا كند، عقل او ضايع مي شود و گناه، نور عقل را از بين مي برد و ضعف و سستي جاي آن را ميگيرد.»

3- گناه و معصيت، قلب را ضعيف و تاريك ميکند و آن را به خرابهاي تبديل ميکند كه هيچ اراده و تصميم خوبي از آن تراوش نميکند. با اصرار بر گناه و انباشته شدن آن، خداوند قلب گنهكار را مهر ميکند؛ به همين دليل، قلب انسان، كور و صاحب آن در زمره غافلان محشور ميشود. آتش جهنم اول قلبها را مورد حمله قرار ميدهد و آن را با بدترين شعلهاي خود می سوزاند.

4- گناه، انسان را ذلیل و خوار می کند و عزّت و سربلندی را از او می گیرد. قال الله تعالی: «مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ» (سوره فاطر « آیه 10) اگر کسی عزت و سر بلندی می خواهد، همانا تمامی عزّت از آن الله است.»

5- یکی از اثرات بد گناه، از بین رفتن «حیاء» است. حیاء که مایه زنده بودن قلب و اصل همه خوبی ها و خیرهاست، بر اثر تکرار گناه و اصرار بر آن، از بین می رود. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می فرماید: «الْحَيَاءُ خَيْرٌ كُلُّهُ» صحیح مسلم حیاء همه اش خیر است.

6- گناه باعث از بین رفتن رزق و روزی و نعمتهای خدا بر بندگان میشود و سبب می شود که برکت از رزق و روزی و عمر و علم و عمل انسان گرفته میشود. قال الله تعالی: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (سوره الأعراف: 96) «اگر مردمان این شهر ها و آبادی ها به خدا و انبیاء ایمان می آوردند و از کفر و معاصی پرهیز میکردند؛ درگاه خیرات و برکات آسمان و زمین را بر روی آنها می گشودیم.»

رسول اکرم می فرماید: «إِنَّ الرَّجُلَ لِيَحْرَمَ الرِّزْقَ بِالذَّنْبِ الَّذِي يَصِيبُهُ» ابن حبان- حسن «همانا شخص به وسیله ی گناهی که انجام میدهد از رزق و روزی محروم میشود.»

7- گناه سبب میشود که شیاطین و جنّها به انسان نزدیک و بر او مسلط شوند و او را مورد آزار و اذیت قرار دهند و روز به روز بسوی فساد و هلاکت بکشانند.

8- گناه سبب نافرمانی و گستاخی خانواده و فرزندان بر فرد میشود. تا جایی که فرزندش- فرزند دلبد و جگرگوشه اش که او را با خوندل بزرگ کرده- بر او جرأت پیدا میکند و او را مورد آزار و اذیت و نافرمانی قرار میدهد. اما اطاعت و بندگی خدا، انسان را در مقابل همه این مصائب حفظ میکند و فرزند را عصای دستش و نور چشمش قرار میدهد.

9- اما بدترین اثر گناه: همانطور که انسان خدا را فراموش میکند، خداوند نیز او را فراموش میکند. خداوند برای چنین شخصی دو عقوبت قرار داده است. به این آیات توجه کنید:

الف: وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (سوره الحشر: 19) (مانند کسانی نباشید که خدا را از یاد برده اند، پس خدا هم خودشان را از یاد خودشان برد مصالح و اسباب سعادت خود را همچنین و خوبی را از بدی تشخیص نمی دهند- آنان همانا بدکارانند)

ب- قال تعالی: ... نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (سوره التوبه آیه 67) (خداوند را فراموش کرده اند و خدا هم ایشان را فراموش کرده است.) خداوند آنها را در دنیا و آخرت فراموش میکند و آنها را از لطف و رحمت خود محروم میکند.

10- گناه باعث می شود که فرشتگان خدا از انسان دور شوند. فرشتگان خدا در همه حالات همراه انسان هستند و مایه نزول رحمت و مغفرت و برکت خدا بر انسان هستند. زمانی که انسان معصیت و نافرمانی الله عزوجل میکند، فرشتگان از انسان دور میگردند و انسان از این لطف خداوند محروم میشود.

11- یکی از عواقب گناه فساد و خرابی در آب و هوا و زراعت و میوه ها میباشد. الله تبارک و تعالی می فرماید: ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (سوره الروم: 41) (تباهی و خرابی در دریا و خشکی به خاطر کارهایی پدیدار گشته است که مردمان انجام میداده اند. بدینوسیله خدا سزای برخی

12- گناه، انسانها را به وسیله سیل و زلزله، رانش زمین و طوفان و صاعقه و انفجار هلاک میکند و از بین میبرد.

از ام المومنین زینب بنت جحش روایت شده که میفرماید: «یا رسول الله أَنْهَلِكُ وَفِينَا الصَّالِحُونَ؟ قَالَ: نَعَمْ إِذَا كَثُرَ الْخَبَثُ» متفقٌ علیه «ای رسول الله آیا در حالیکه انسانهای صالح در بین ما هستند، دچار هلاکت میشویم؟ فرمود: بله، هرگاه فسق و فجور زیاد شود. از سهل بن سعد روایت شده است پیامبر خدا -صلي الله عليه وسلم- فرمود: «سیکون في آخر الزمان خسف، وقذف ومسح» قيل: ومتي ذلك يا رسول الله؟ قال: «إذا ظهرت المعازف والقينات». «در آخر الزمان زبونی و خواری، دشنام و ناسزا و زشتی و بد شکلی ظاهر میشود سؤال شد چه وقت ای پیامبر خدا؟ فرمودند «وقتی که آلات موسیقی و زنان خواننده ظاهر شوند». صحیح جامع الصغیر.

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبي الكريم.

فهرست موضوعات و مطالب سوره الشرح

شماره	نام سوره	معانی و محتوای سوره ها	صفحه
	الشرح الانشراح	الشرح = گشاده شدن، وسیع شدن محتوای سوره انشراح: در این سوره نیز به قسمتی از مواهب الهی به پیامبر صلی الله علیه وسلم اشاره شده است.	
1		- وجه تسمیه.	
2		- تعداد آیات، کلمات و حروف سوره الشرح.	
3		- أسباب نزول سوره مبارکه.	
4		- آشنایی با سوره انشراح.	
5		- ترجمه و تفسیر سُورَه «الشرح»	
6		- در آیات متبرکه این سوره در باره نعمتها و فرمانهای الله متعال به پیامبر صلی الله علیه وسلم بحث بعمل می آید.	
7		- تشریح لغات و اصطلاحات.	
8		- مفهوم توصیه به صبر در اسلام.	
9		- مفهوم «إِن مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا».	
10		- هدف از شق صدر رسول الله.	
11		- آثار گناه.	

مکئی بر بعضی از منابع و مأخذها

1- تفسیر صفوة التفاسیر:

تألیف محمد علی صابونی (مولود 1930 م) این تفسیر در سال 1399 ق نوشته شده است. نویسنده در تدوین این تفسیر از مهم‌ترین و معتبرترین کتب تفسیر از جمله: تفسیر طبری، کشاف، قرطبی، آلوسی، ابن کثیر، البحر المحیط و... استفاده بعمل آورده است.

2- تفسیر انوار القرآن:

تألیف عبدالرؤف مخلص هروی. «تفسیر انوار القرآن» گزیده ای از سه تفسیر: فتح القدیر شوکانی، تفسیر ابن کثیر و تفسیر المنیر و هبه الزحیلی می باشد. سال نشر: 1389 هجری قمری - محل نشر: احمد جام - افغانستان

3- تفسیر المیسر:

تألیف: دکتر عایض بن عبدالله القرني (اول جنوری 1959 م مطابق 1379 هجری) انتشارات: شیخ الاسلام احمد جام سال چاپ: 1395 هـ.

4- تفسیر کابلی

تفسیر کابلی (ترجمه فارسی ترجمه عثمانی) مفسر: شیخ الإسلام حضرت مولانا شبیر احمد عثمانی رحمه الله علیه، مترجم: شیخ الهند حضرت مولانا محمود الحسن رحمه الله علیه، ترجمه دری / فارسی: جمعی از علمای افغانستان.

5- تفسیر معالم التنزیل - بغوی:

تفسیر البغوی تألیف حسین بن مسعود بغوی (متوفی سال 516 هجری قمری) این تفسیر به زبان عربی نوشته شده، واز تفسیر الکشف والبیان ثعلبی بسیار متأثر می باشد.

6- تفسیر زاد المسیر فی علم التفسیر:

تألیف: ابن جوزی ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (510 هجری / 1116 میلادی - 12 رمضان 592 هجری) «زاد المسیر فی علم التفسیر» مشهور به «زاد المسیر»، تفسیر متوسط ابن جوزی میباشد که: این تفسیر خلاصه از تفسیر بزرگ وی بنام المغنی فی تفسیر القرآن می باشد.

7- البحر المحیط فی التفسیر القرآن: ابو حیان الأندلسی:

تألیف: محمد بن یوسف بن علی بن حیان نفری غرناطی (654 - 745 ق) مشهور به ابوحیان غرناطی. تفسیر «البحر المحیط» به زبان عربی می باشد. وی به تحقیق پیرامون کلمات هر آیه و اختلاف ترکیب ها و بلاغت، توجه خاصی مبذول داشته است.

8- تفسیر تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر:

تفسیر القرآن العظیم: تألیف عماد الدین اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی (متوفی 774 ق) مشهور به ابن کثیر. که از علماء ممتاز و محقق قرن هشتم به شمار می آید. (جلال الدین سیوطی، مفسر و قرآن‌شناس بزرگ اسلامی می فرماید: ابن کثیر تفسیری دارد، که در سبک و روش همانندش نگاشته نشده است).

9 - تفسیر بیضاوی:

یا «أنوار التنزیل و أسرار التأویل، مشهور به «تفسیر بیضاوی» تألیف شیخ ناصرالدین عبد الله بن عمر بیضاوی (متوفی سال 791 هـ) در قرن هفتم هجری این تفسیر به زبان عربی تحریر یافته است. و در سال (1418 ق یا 1998 م) دار إحياء التراث العربی - بیروت - لبنان بچاپ رسیده است .

10- تفسیر الجلالین « التفسیر الجلالین »:

جلال الدین محلی و شاگردش جلال الدین سیوطی (وفات جلال الدین محلی سال 864 و وفات جلال الدین سیوطی سال 911 هـ) (سال نشر: 1416 ق یا 1996 م . ناشر: مؤسسة النور للمطبوعات مکان نشر: بیروت - لبنان) این تفسیر در قرن دهم هجری بزبان عربی و از محدود تفاسیری است که توسط چند عالم نوشته شده باشد.

11- تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن - تفسیر طبری:

علامه أبو جعفر محمد بن جریر بن یزید طبری متولد (224 وفات 310 هجری قمری) در بغداد ویا (839 - 923 میلادی) (قرن 4 قمری، ناشر: دار المعرفة ، محل نشر: بیروت) شیخ طبری یکی از محدثین ، مفسر، فقهی و مؤرخ مشهور سده سوم قمری است.

12- تفسیر ابن جزى التسهیل لعلم التنزیل:

تألیف محمد بن احمد بن جزى غرناطی الکلبی مشهور به جُزىّ (متوفی 741ق) (ناشر: شركة دار الأرقم بن أبیالأرقم ، بیروت - لبنان) یکی از موجزترین و در عین حال مفیدترین و فراگیرترین تفاسیر مغرب اسلامی است.

13 - تفسیر ابو السعود:

«تفسیر إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم» تألیف: مفسر شیخ ابوالسعود محمد بن محمد بن مصطفى عمادی (متوفی 982) از علمای ترک نژاد می باشد. (محل طبع: مكتبة الرياض الحديثه بالرياض) .

14- تفسیر فی ظلال القرآن:

تالیف: سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی (متوفی سال 1387 هـ) . سال نشر 1408 ق یا 1988 م. ناشر: دار الشروق، مکان نشر ، بیروت - لبنان

15- تفسیر الجامع لاحکام القرآن - تفسیر القرطبی:

نام مؤلف: عالم و محقق مشهور اندلس (اسپانیا) علامه ابو عبد الله محمد بن احمد بن بکر بن فرح القرطبی (متوفی سال 671 هجری) هدف اساسی وی از تألیف این تفسیر استنباط احکام و مسائل فقهی از قرآن کریم بوده است .

16- تفسیر معارف القرآن:

مؤلف: حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا شیخ الحدیث حضرت مولانا محمد یوسف حسین پور .

17- تفسیر خازان:

نام تفسیر: « لباب التأویل فی معانی التنزیل (تفسیر الخازان » تألیف: علاء الدین علی بن محمد بغدادی مشهور به الخازان (متولد ۶۷۸ و متوفای ۷۴۱ هجری می باشد.)

18- روح المعانی (الوسی):

تفسیر «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم» اثر محمود أفندی آلوسی است. (1217 - 1270ق) سال نشر: 01 يناير 2007 محل نشر، ادارة الطباعة المنيرية تصوير دار إحياء التراث العربي.

19- جلال الدين سيوطي:

«الاتقان في علوم القرآن» تفسير الدار المنثور في التفسير با لمأثور» مؤلف: حافظ جلال الدين عبد الرحمن بن ابى بكر سيوطي شافعي. (1445 - 1505م) مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف 1426 هـ المدينة المنوره

20- زجاج: « تفسير معاني القرآن في التفسير »:

مؤلف: الزَّجَّاجُ أو أبو إسحاق الزَّجَّاجُ أو أبو إسحاق إبراهيم بن محمد بن السري بن سهل الزجاج البغدادي است. (241 هجرى - 311 هجرى 855 - 923 ميلادى)

21- تفسير ابن عطية:

نام کامل تفسیر: «المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز ابن عطية» بوده مؤلف آن: أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن بن تمام بن عطية الأندلسي المحاربي (المتوفى: 542هـ) سال نشر: سنة النشر: 1422 - 2001 ، دار ابن حزم.

22- تفسير قتادة:

أبو الخطاب قتادة بن دعامة بن عكابة الدوسي بصري (61 هـ - 118 هـ ، 680 - 736 م) . وى از جمله تابعین بوده ، که در علوم لغت ، تاریخ عرب ، نسب شناسی ، حدیث ، شعر عرب ، تفسیر ، دسترسى داشت . ودرضمن حافظ بود ، در بصره عراق زندگى بسر برده ولى نابینا بود. امام احمد حنبل درباره او می گوید: «او با حافظه ترین اهل بصره بود و چیزی نمی شنید مگر اینکه آن را حفظ می کرد، من یک بار صحیفه جابر را برای او خواندم و او حفظ شد.» حافظه او در طول تاریخ ضرب المثل بود. او در عراق به مرض طاعون در گذشت.

23- تفسیر کشاف مشهور به تفسیر زمخشری.

«تفسیر الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل» مشهور به تفسیر کشاف. مؤلف: جارالله زمخشری (27 رجب 467 - 9 ذیحجه 538 هـ) این تفسیر برای بار اول در سال: ۱۸۵۶ میلادی در دو جلد در کلکته بچاپ رسید ، سپس در سال ۱۲۹۱ در بولاق مصر ، ودر سال های ۱۳۰۷ ، ۱۳۰۸ ، و ۱۳۱۸ در قاهره به چاپ رسیده است. محل نشر: انتشارات دار إحياء التراث العربی.

24- تفسیر مختصر:

تفسیر ابن کثیر: مؤلف: ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب طبری مشهور به جریر طبری متولد 224 وفات 310 هجرى قمرى در بغداد (218 - 301 هجرى شمسی) . تاریخ طبری مشهور به پدر علم و تاریخ و تفسیر است . سال طبع هفتم : 1402 هـ - 1981 م - محل طبع : دار القرآن الکریم ، بیروت - لبنان.

25- مفسر صاوی المالکی :

«حاشية الصاوي على تفسير الجلالين في التفسير القرآن الكريم» مؤلف: احمد بن محمد

صاوی (1175-1241ق) است.

سال و محل طبع : : بالمطبعة العامرة الشرفية سنة 1318 هجرية.

26- سعید حوی :

حَوّی، سعید، حَوّی، سعید، مفسر « الاساس فی التفسیر (یازده جلد؛ قاهره ۱۴۰۵)، که از مهم‌ترین و اثرگذارترین آثار حوی به شمار می‌آید.

سال نشر : 1424ق یا 2003 م ، محل نشر قاهره - مصر موسسه دار السلام

27- تفسیر کبیر فخر رازی :

تفسیر فخر رازی مشهور به تفسیر کبیر، شیخ الإسلام فخرالدین رازی (544 هـ 606 هـ) تفسیر کبیر مهم‌ترین و جامع‌ترین اثر فخر رازی و یکی از چند تفسیر مهم و برجسته قرآن کریم به زبان عربی است .

28- تفسیر سدّی کبیر :

تفسیر سدّی کبیر اثر «ابومحمد اسماعیل بن عبدالرحمان»، معروف به سدّی کبیر، متوفای ۱۲۸ هجری قمری از مردم حجاز است که در کوفه می‌زیست.

وی مفسری عالی‌قدر و نویسنده‌ای توانا در تاریخ، بخصوص درباره‌ی غزوات (جنگ‌های) صدر اسلام است. از تفسیر او به نام «تفسیر کبیر» یاد می‌شود که از منابع سرشار تفاسیری است که پس از وی به رشته‌ی تحریر در آمده است. «جلال الدین سیوطی» به نقل از «خلیلی» می‌گوید: سدّی، تفسیر خود را با ذکر سندهایی از «ابن مسعود» و «ابن عباس» نقل کرده است و بزرگانی چون «ثوری» و «شعبه» از او روایت کرده‌اند.

29- تفسیر المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز :

مؤلف : ابومحمد عبدالحق بن غالب بن عبدالرحمن بن غالب محاربی معروف به ابن عطیه اندلسی (481 - 541 هجری)

30 - تفسیر فرقان

تألیف : شیخ بهاء الدین حیسنی

31 - کتاب حاشیة محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی

نویسنده : شیخ‌زاده، محمد بن مصطفی

زبان : عربی

ناشر : دار الکتب العلمیة

سایر نویسندگان : نویسنده: بیضاوی، عبدالله بن عمر - مصحح: شاهین، محمد عبدالقادر -

نویسنده: شیخ‌زاده، محمد بن مصطفی .

32- تفسیر گلشاهی

مؤلف: دکتر أناطواق آخوند گلشاهی

موضوع: ترجمه و تفسیر کامل قرآن کریم

33 - کتاب حاشیة محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی

نویسنده : شیخ‌زاده، محمد بن مصطفی

زبان : عربی

34 - تفسیر مجاهد

تفسیر مجاهد، اثر ابوالحجاج مجاهد (21 - متوفی 102 یا 103 یا 104 یا 105ق) فرزند جبر و یا جبیر مکی مخزومی از مفسران تابعین و علمای علوم قرآنی است.

35- فیض الباری شرح صحیح البخاری:

داکتر عبد الرحیم فیروز هروی، سال طبع: 26 Jan 2016

36- صحیح مسلم - وصحیح البخاری:

گردآورنده: مسلم بن حجاج نیشاپوری مشهور به امام مسلم که در سال 261 هجری قمری وفات نمود. وگرد آورنده صحیح البخاری: حافظ ابو عبد الله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه بخاری (194 - 256 هجری)

37- تفسیر نور دکتر مصطفی خرم دل:

نام کامل تفسیر نور: «ترجمه معانی قرآن» تألیف: دکتر مصطفی خرم دل از کردستان: (متولد سال 1315 هجری، وفات 1399 هجری).

38- مفردات الفاظ القرآن:

از راغب اصفهانی. (خیر الدین زرکلی در کتاب «الأعلام» گفته: او اهل اصفهان بود اما در بغداد سکونت گزید، ادیب مشهوری بود، و در سال 502 هجری قمری وفات کرد». امام فخرالدین رازی در کتاب «تأسیس التقدیس» در علم اصول ذکر کرده که راغب از ائمه اهل سنت است و مقارن با غزالی بود. (بغية الوعاة 2 / 297 ، وأساس التقدیس صفحه 7).

39- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم:

شیخ حسنین محمد مخلوف (751 هـ - 812 ق) ، اسباب نزول، علامه جلال الدین سیوطی ترجمه: از عبد الکریم ارشد فاریابی. (انتشارات شیخ الاسلام احمد جام)

ترجمه و تفسیر «سوره الشرح»

تتبع و نگارش: امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتژیکی افغان
و مسؤل مرکز فرهنگی د حق لاره- جرمنی

ادرس: saidafghani@hotmail.com

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**